

کتاب دانی ایل — نمبر پینسٹھ

مکاشفہ نبوی: درکِ ناامیدی ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ و پیام در حال انکشافِ فریادِ نیمہ شب در ایامِ آخر

Jeff Pippenger

2024-01-29

بتاریخ ۱۸ جولائی، ۲۰۲۰ء، خدا کی آخری ایام کی اصلاحی تحریک کے لیے پہلی مایوسی وارد ہوئی۔ اس نے تیسرے ہائے کی تاریخ میں ایک نشان راہ قائم کیا، جو بعد کی بارش کی تاریخ بھی ہے، اور ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر بندی کی تاریخ بھی۔ اس تاریخ کی نمائندگی مقدس تاریخ کی ہر اصلاحی تحریک نے کی ہے، اور زیادہ خصوصیت کے ساتھ اس کی نمائندگی ملیری تحریک کی تاریخ نے کی، اور اسے دس کنواریوں کی تمثیل کے ذریعے واضح کیا گیا، اور یہ اُس نبوتی تاریخ کی نمائندگی کرتی ہے جس کی نشان دہی ہر نبی نے کی۔

۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ء نمایانگر نخستین ناامیدی این جنبش است، و از این رو، فرارسیدن زمان تأخیر را در مَثَلِ ده باکره و در حقوق نشان می دهد۔ در تاریخ میلریتی، همان شواهدی که به اعلامِ نادرستِ آنان انجامید، دیده شد که تاریخ حقیقی را مشخص می سازد۔ آنگاه زمان تأخیر مَثَلِ ده باکره به عنوان حقیقتِ حاضر شناخته شد، و آن زمان تأخیر همان زمان تأخیرِ حقوقِ بابِ دو بود۔ مَثَلِ ده باکره عیناً تا به حرف تکرار می شود، و این واقعیت نشان می دهد که تنها کسانی که در آن ناامیدی درگیر بوده اند، شایستگان آن هستند که یا باکره ای دانا باشند یا باکره ای نادان۔

بدنه عظیم ادونتیسیم لائودیکیه با فرا رسیدن وای سوم در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آزموده شد، و هنگامی که پیشگوییِ نافرجامِ ۱۸ ژوئیہ ۲۰۲۰ سپری گردید، ادونتیسیم لائودیکیه جا ماند تا بی هدف به سوی روم بازگردد، همان گونه که پروتستان ها در تاریخ میلریتی چنین شدند۔

यह उन्होंने बल्कि पहचाना में रूप के पूर्तकी दृष्टान्त के कुँवारियों दस को समय के ठहरने केवल न ने मलिरियों वही आज्ञा की करने प्रतीक्षा, करे वलिम्ब वह यद्यपि, लयि के दर्शन में हबक्कूक क दिखा भी गया कयिा प्रस्तुत भूलवश जो, दर्शन वह कहै करता पुष्ट यह हबक्कूक तब थी। चहिन सूचक-भवषियद्वाणी "बोलेगा। "मे अंत जो था दर्शन वही, थी की उत्पन्न नरिशा पहली जसिने और था

زیرا رؤیا هنوز برای زمان معین است، اما در آخر سخن خواهد گفت و دروغ نخواهد گفت؛ اگرچه درنگ نماید، منتظر آن باش، زیرا به یقین خواهد آمد و تأخیر نخواهد کرد۔ حقوق ۲:۳۔

پیامی که نخستین سرخوردگی را پدید آورد، همان پیامی بود که می بایست به عنوان پیامی در شرف تحقق در آینده ای نزدیک شناخته شود؛ اما با این همه، این پیام همچنان بر همان استدلال های نبوی پیشین استوار بود که در نخستین اعلام نادرست به کار گرفته شده بودند۔

در تاریخ میلری، قوم عهدِ پیشین نخست آزموده شدند؛ سپس قوم عهدِ جدید آزموده شدند۔ این آزمون برای پروتستان ها زمانی آغاز شد که فرشته اول مکاشفہ ده و فرشته اول مکاشفہ چهارده (زیرا هر دو همان یک فرشته اند) در ۱۱ اوت ۱۸۴۰ فرود آمد۔ آزمون ایشان با نخستین نومیدی و با فرا رسیدن فرشته دوم مکاشفہ چهارده به پایان رسید۔

در تاریخ میلری، آزمون میلریان با فرارسیدن فرشته دوم در نخستین یاس آغاز شد و با فرارسیدن ندای نیمه شب به پایان رسید؛ ندایی که خواهر وایت آن را جماعتی کثیر از فرشتگان به تصویر می کشد که به فرشته دوم می پیوندند۔ تحت قدرت روح القدس، آن میلریانی که پیام ندای نیمه شب را تشخیص

دادند و پذیرفتند، آنگاہ از میلریانی کہ پیامی را کہ در ہمہ سو بر ایشان فرو می ریخت تشخیص ندادند، جدا شدند۔ در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، فرشتہ سوم فرا رسید و آن رؤیایی کہ درنگ کردہ بود، آنگاہ سخن گفت۔

در تاریخ مہر شدن صد و چہل و چہار ہزار، نخست قوم عہد پیشین آزمودہ شدند، سپس قوم عہد جدید۔ آزمون آدونتیسملائودیکہ ہنگامی آغاز شد کہ نخستین صدای فرشتہ مکاشفہ ہجده و فرشتہ سوم مکاشفہ چہارده (زیرا آن دو ہمان یک فرشتہ اند)، در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نازل شد۔ آزمون ایشان با ناامیدی ۱۸ ژوئہ ۲۰۲۰ بہ پایان رسید۔

در جنبش فرشتہ سوم، آزمون یک صد و چہل و چہار ہزار تن با فرارسیدن نخستین نومیدی آغاز شد و با فرارسیدن پیام فریاد نیمہ شب بہ پایان خواہد رسید۔ تحت قدرت روح القدس، آنان کہ اکنون پیام فریاد نیمہ شب را می شناسند و می پذیرند، آنگاہ از جاہلان و شریرانی جدا می شوند کہ آن پیام چندوجہی را کہ اکنون از ہر سو بر گرداگرد ایشان فرود می آید، نشناختند۔

در قانون یکشنبہ کہ بہ زودی فرا خواہد رسید، دومین «صدای فرشتہ مکاشفہ ہجده بہ سخن درمی آید؛ ہمان رؤیایی کہ «درنگ کرد» تا سخن گوید۔ این ہمچنین نمایانگر پیام فرشتہ سوم است کہ تا فریاد بلند «اوج می گیرد»۔

فریاد نیمہ شب بہ صورت فرشتگان بسیاری بہ تصویر کشیدہ شدہ است کہ با فرشتہ پیشین ہمراہ می شوند۔ پیام فریاد نیمہ شب دارای چندین عنصر است کہ در مجموع بہ پیام کامل آن یاری می رسانند، و فرشتگان نماد پیام ہا ہستند۔ در تاریخ میلریتی، پیشگامی کہ بہ عنوان رہبر در ارانہ و گردآوردن پیام حقیقی فریاد نیمہ شب شناختہ شد، ساموئل اس۔ اسنو بود۔ در آن تاریخ، بہ خوبی مستند شدہ است کہ درک اسنو از پیام فریاد نیمہ شب در طی دورہ ای از زمان تکامل یافت۔

اس تاریخ کی ہر ہر بات بعینہ دہرائی جا رہی ہے، اور آخری نصف شب کی پکار کا پیغام جولائی 2023 کے آخر سے علانیہ طور پر نشوونما پا رہا ہے۔ یہ محض اسلام کا پیغام نہیں، بلکہ اس میں ایک لاکھ چوالیس ہزار کی مہر کیے جانے کا پیغام بھی شامل ہے۔ اس میں یہ مکاشفہ بھی شامل ہے کہ زمینی حیوان کے دونوں سینگ، حیوان کی صورت کے متوازی، دونوں ایک "موت اور قیامت" سے گزرتے ہیں، جو اسی تاریخ میں اس نبوی معیے کو پورا کرتی ہے کہ "آٹھواں آن سات میں سے ہے۔" اس میں سات گرجوں کی "پوشیدہ تاریخ" سے متعلق مکاشفات بھی شامل ہیں، اور یہ "پتھر" کے اس نبوی معیے کو پورا کرتا ہے جو رد کیا گیا تھا مگر "کونے کے سرے" کا پتھر بن گیا، کیونکہ احبار چھبیس کے "سات وقت" اس دھاگے کے طور پر ظاہر ہوتے ہیں جو ملر کی تاریخ کی تمام صداقتوں کو ان صداقتوں کے ساتھ باہم بن دیتا ہے جو 1989 میں وقت آخر پر مہر کھولے جانے کے ساتھ ظاہر کی گئیں۔ زبور نویس اسے یوں بیان کرتا ہے:

سنگی را کہ معماران رد کردند، همان سنگی سر زاویہ شدہ است۔ این از جانب خداوند است؛ در نظر ما شگفت انگیز است۔ این است آن روزی کہ خداوند پدید آورده است؛ در آن شادی خواہیم کرد و مسرور خواہیم شد۔ مزامیر 24-118:22۔

«سنگ»، کہ نخستین «گوہر»ی بود کہ ویلیام میلر کشف کرد (و گوہرہا سنگ اند)، ہمان «روزی است کہ خداوند ساختہ است»۔ در مقالات پیشین نشان دادہ شدہ است کہ ساختار و الفاظ فرمان سبت، با ساختار چرخہ مقدس ہفت تایی، چنان کہ در باب بیست و پنجم لاویان بیان شدہ، یکسان است۔ آرام گرفتن در روز ہفتم، نمونہ آرام گرفتن زمین در سال ہفتم بود، و ہنگامی کہ این دو فرمان بدین گونہ در نظر گرفتہ شوند، گواہی فراہم می آورند بر اینکہ در نبوت کتاب مقدس، یک روز نمایندہ یک سال است۔

آنان همچنین نشان می‌دهند که آن برداشتی را که میلر دربارهٔ خشم خدا به مدت «هفت زمان»، در لاویان بیست‌وشش اعلام کرد، به صورت «یک روز» بازنموده شده است؛ زیرا خداوند چرخه مقدس هفت‌ساله را، همان قدر یقینی که آسمان‌ها و زمین را در شش روز آفرید و در روز هفتم آرام گرفت، برقرار ساخت.

چون عیسی مثل تاکستان را به پایان رسانید، از فریسیان سؤال کرد.

پس چون مالک تاکستان بیاید، با آن باغبانان چه خواهد کرد؟ به او گفتند: آن مردان شریر را به سختی هلاک خواهد ساخت و تاکستان خود را به باغبانان دیگری خواهد سپرد که میوه‌های آن را در موسم‌هایش به او بدهند. عیسی بدیشان گفت: آیا هرگز در کتب نخوانده‌اید که: «سنگی که معماران رد کردند، همان سنگ سر زاویه شد؛ این از جانب خداوند است و در نظر ما شگفت‌انگیز است»؟ از این رو به شما می‌گویم که ملکوت خدا از شما گرفته خواهد شد و به امتی داده خواهد شد که میوه‌های آن را به بار آورد. و هر که بر این سنگ بیفتد، شکسته خواهد شد؛ اما هر که آن سنگ بر او بیفتد، او را خرد و خاکستر خواهد کرد. و چون رؤسای کهنه و فریسیان مثل‌های او را شنیدند، دریافتند که دربارهٔ ایشان سخن می‌گوید. متی ۲۱:۴۰-۴۵.

تمثیل تاکستان، تمثیل وانهادن شدن قوم برگزیدهٔ پیشین و سپرده شدن پادشاهی به قومی برگزیدهٔ جدید است. «سنگی» که بنا بر گفتهٔ عیسی رد شد، همان «سنگی» است که بسته به اینکه چگونه پذیرفته شود، یا نجات می‌بخشد یا هلاک می‌کند. این «سنگ» در سیاقی که عیسی به کار برده است، باید حقیقتی کتاب مقدسی باشد، زیرا توانایی آن را دارد که ثمر پارسایانه پدید آورد؛ و پارسایی مسیح تنها زمانی در مردان و زنان پدید می‌آید که کلام حقیقت او را بپذیرند.

آنهیں اپنے سچ کے وسیلہ سے مقدس کر؛ تیرا کلام سچ ہے۔ یوحنا ۱۷:۱۷.

«سنگ» تعلیمی ہے جسے یا تو قبول کیا جاتا ہے یا رد، اور یسوع کلام ہے، اور اعمال کی کتاب میں پطرس «سنگ» کی شناخت مسیح کے طور پر کرتا ہے۔

بدانید، شما همه و تمامی قوم اسرائیل، که این مرد به نام عیسی مسیح ناصری، که شما او را مصلوب کردید و خدا او را از مردگان برخیزانید، به واسطهٔ او در حضور شما تندرست ایستاده است. این همان سنگی است که شما بنایان خوارش شمردید، و اکنون سر زاویه شده است. و در هیچ کس دیگر نجات نیست، زیرا زیر آسمان نامی دیگر در میان آدمیان عطا نشده است که بدان باید نجات یابیم. اعمال ۱۰:۴-۱۲

سپس در اول پطرس، او نمادپردازی «سنگ» را باز هم فراتر می‌برد، اما آن را همچنان در همان چارچوب کنار گذاشتن قوم عهد پیشین و برگزیده شدن قومی جدید و مختار حفظ می‌کند؛ قومی که، چنان‌که او بیان می‌دارد، «در زمان گذشته قومی نبودند، لیکن اکنون قوم خدا هستند؛ که رحمت نیافته بودند، اما اکنون رحمت یافته‌اند.»

जो परन्तु, कथिा अस्वीकार तो ने मनुष्यों जसिं, पास के पत्थर जीवति उस—हो आते तुम पास जसिके रूप के भवन आत्मकि एक समान के पत्थरों जीवति भी तुम—है बहुमूल्य और हुआ चुना नकिट के परमेश्वर ग्रहणयोग्य को परमेश्वर द्वारा के मसीह यीशु ताकि, याजकवर्ग पवतिर एक अर्थात्, हो जाते रचे में कोने प्रधान एक में सयियों मैं, देखो, "है लखिा यह भी मैं पवतिरशास्त्र इसलएि चढ़ाओ। बलदिान आत्मकि न लज्जति कभी वह करेगा वशिवास पर उस जो और; है बहुमूल्य और हुआ चुना जो, हूँ रखता पत्थर का लिए उनके, मानते नहीं आज्जा जो परन्तु; है बहुमूल्य वह, हो करते वशिवास जो, लिए तुम्हारे अतः" होगा। और पत्थर का ठोकर "और," ठहरा सशि का कोने वही, कथिा अस्वीकार ने राजमसित्त्रियों को पत्थर जसि" और; मानते नहीं आज्जा वे क्योंकि, है खाते ठोकर पर वचन जो लिए उनके—है भी" चट्टान पहुँचानेवाली ठेस 2:4-8.पतरस 1 थे। गए कएि भी नयुिक्त वे लिए के इसी

پطرس دربارهٔ قوم برگزیدهٔ پیشین می‌گوید: «برای آنان که نافرمان‌اند، همان سنگی که بنایان رد کردند، سر زاویه شده است؛ و سنگ لغزش و صخرهٔ عثره، برای همانانی که به سبب نافرمانی در کلام می‌لغزند؛ و برای همین نیز مقرر شده بودند.»

عیسی^۱ کی نمائندگی بنیاد کی ہر مقدس تمثیل کے ذریعے کی گئی ہے۔

زیرا هیچ کس نمی‌تواند بنیادی جز آن‌که نهاده شده است، بگذارد، که آن عیسی مسیح است. اول
قرنتیان ۳:۱۱

بنیادی که میلری‌ها بنا کردند، صخرهٔ اعصار بود (سنگ).

«اخطار رسیده است: نباید اجازه داده شود چیزی وارد شود که بنیاد ایمان را، که از زمانی که پیام در سال‌های ۱۸۴۲، ۱۸۴۳ و ۱۸۴۴ آمد بر آن بنا می‌کرده‌ایم، برهم زند. من در این پیام بوده‌ام، و از آن زمان تاکنون در برابر جهان ایستاده‌ام، نسبت به نوری که خدا به ما داده است وفادار. ما قصد نداریم پاهای خود را از آن سکویی برداریم که بر آن قرار داده شدند، آنگاه که روزبه‌روز با دعای جدی خداوند را می‌طلبیدیم و در پی نور بودیم. آیا گمان می‌کنید که من بتوانم نوری را که خدا به من داده است ترک کنم؟ آن باید همچون صخرهٔ اعصار باشد. از همان زمان که به من داده شد، پیوسته مرا هدایت کرده است.» 14، Review and Herald، آوریل 1903.

اولین گوه‌ری که میلر کشف کرد و جزئی از بنیاد میلریتی شد، که همچون «صخرهٔ اعصار» است، «هفت زمان» در لاویان بیست‌وشش بود؛ و «هفت زمان» نخستین حقیقت بنیادی بود که از سوی آن پیشگامان میلریتی که تازه بنیاد میلریتی را بنا کرده بودند، کنار گذاشته شد. این معماران بودند که می‌بایست سنگ بنیادی را رد کنند. آن «سنگ» که مظهر مسیح است، همچنین همان روزی است که خداوند آن را ساخت؛ زیرا او روز هفتم را به‌عنوان روز آرامی، و سال هفتم را به‌عنوان سالی که در آن زمین آرام گیرد، قرار داد. در سال 1863، سنگ بنیاد رد شد، اما باید «سر زاویه» و «سنگ لغزش» برای نافرمانان گردانیده شود.

و، تسلا رازها را به لاهچ و دصکی‌ی‌حال‌صا ش‌ب‌ن‌ج‌ه‌ی‌ام‌ن‌ورد، موس‌ی‌او‌مال‌سا‌م‌ای‌پ‌ی‌اه‌ان‌ب‌ه‌ک‌ها‌گ‌ن‌آ، دم‌آ‌دورف‌ه‌د‌ج‌ه‌ه‌ف‌ش‌اک‌م‌ه‌ت‌ش‌رف‌ه‌ک‌د‌ش‌زا‌غ‌آ‌ی‌ما‌گ‌ن‌ه‌ن‌وم‌ز‌آ‌دن‌ی‌ارف‌ه‌را‌ب‌رد‌م‌س‌ی‌ت‌ن‌ود‌ا. دن‌د‌ش‌ه‌دن‌ک‌ف‌ا‌ورف‌2001 رب‌م‌ات‌پ‌س‌11 رد‌ک‌روی‌وی‌ن‌ره‌ش‌می‌ظ‌ع‌د‌اب‌زور»-ن‌دی‌سر‌ارف‌ن‌ام‌ز، 2001 رب‌م‌ات‌پ‌س‌11 ه‌ک‌ت‌قی‌ق‌ح‌ن‌ی‌ای‌وب‌ن‌ی‌اس‌ان‌ش‌ن‌ان‌آ، 2020 ه‌ی‌و‌ژ‌18 رد‌. دن‌ام‌ش‌وم‌اخ، د‌وب‌«ی‌قر‌ش‌ه‌ا‌ش‌ود‌ن‌آ‌ه‌ک‌ها‌گ‌ن‌آ، دن‌د‌ن‌ام‌ه‌ب‌م‌س‌ی‌ت‌ن‌ود‌ا‌ن‌وم‌ز‌آ. دن‌د‌ش‌ه‌ت‌ش‌ک‌می‌ظ‌ع‌ره‌ش‌ن‌آ‌ی‌اه‌چ‌وک‌رد‌ه‌ف‌ش‌اک‌م‌ه‌د‌ز‌ای‌باب‌، دن‌ا‌ه‌ت‌خ‌ان‌ش‌ار‌مال‌سا‌م‌ای‌پ‌دن‌د‌وب‌ه‌درک‌رار‌قا‌ه‌ک‌ی‌ن‌اس‌ک‌ن‌وم‌ز‌آ‌و، د‌وب‌ه‌دی‌سر‌ن‌ای‌اپ‌. د‌وب‌ن‌ای‌رج‌رد‌.

پس از آن‌که استخوان‌های خشک مرده تا پایان ژوئیهٔ ۲۰۲۳ در کوچه‌ها افتاده بودند، آنگاه به واسطهٔ پیام نخست حزقیال برانگیخته شدند. پیام دوم حزقیال، پیام چهار باد اسلام وای سوم است که بازنمایانندهٔ گشایش تدریجی پیام فریاد نیمه‌شب می‌باشد؛ همان رؤیایی که درنگ نمود و درون‌مایهٔ سراسر دورهٔ این جنبش بود. سپس حقایق گوناگونی گشوده شد، زیرا پیام فریاد نیمه‌شب نمایانگر پیامی چندوجهی است. نخستین حقیقتی که استخوان‌های خشک مرده را مواجه ساخت، همان نخستین حقیقتی بود که ادونتیس‌م لائودیکه آن را رد کرد، و آن نمایانگر حقیقتی است که گذار لائودیکه به فیلا‌دلفیا را مشخص می‌سازد.

حقیقت همان پیام مهر است، و از این رو باید هم از حیث فکری و هم از حیث روحانی در آن استقرار یافت. کافی نیست که تشخیص دهیم دوره‌ای که آن دو شاهد در کوچه مرده افتاده بودند، نمادی از

پراکندگی «هفت زمان» است؛ بلکه پذیرش تجربی حقیقت نیز لازم است.

جواهر میلر، التي تُمثِّل الحقائق التي فُكَّ ختمها في زمن النهاية سنة 1798، تصيرُ امتحانًا لعذارى الأيام الأخيرة. وخبرة الرسوخ في الحق «روحياً» تُمثِّلها الجوهرة الأولى لميلر، أمَّا الرسوخ في الحق «ذهنياً» فتُمثِّلها رسالة الإسلام الخاصة بالويل الثالث. وإن الدعوة إلى التوبة والاعتراف، التي تُمثِّلها «المرات السبع»، تحدِّد عملاً يَنجَز بالاقتران مع المسيح في قدس الأقداس، وتُمثِّلها رؤيا «المرأة».

برداشت «عقلانی» از اسلام وای سوم با رؤیای «chazon» نمایانده می‌شود، و هر دو برای کسانی که مهر خواهند شد، ضروری‌اند. در سال 1863، ادونتیسیم لائودیکیه بر آن شد که آریحا را از نو بنا کند، و کار خود را در بازسازی اورشلیم واگذاشت. آریحا نماد رفاه است، چنان‌که در کوری لائودیکیه نیز بازنمایی شده است.

z najmocniejszych warowni w kraju — wielkie i zamożne miasto Jerycho — leżała 487,, tuż przed nimi, w niewielkiej odległości od ich obozu w Gilgal. Położone na skraju żyznej równiny, obfitującej w bogate i różnorodne płody strefy tropikalnej, to dumne miasto, którego pałace i świątynie były siedliskiem zbytku i występku, kryjąc się za swymi potężnymi obwarowaniami, rzucało wyzwanie Bogu Izraela. Jerycho było jednym z głównych ośrodków bałwochwalczego kultu, poświęconym szczególnie Asztarot, bogini księżyca. Tu skupiało się wszystko, co było najbardziej nikczemne i poniżające w religii Kananejczyków. Lud Izraela, w którego pamięci żywe były straszliwe skutki ich grzechu w Bet-Peor, mógł patrzeć na to pogańskie miasto jedynie z odrazą i przerażeniem". Patriarchowie i prorocy, 487,,

«سنگی» که بنایان در سال ۱۸۶۳، هنگام بازسازی اریحا، رد کردند، همان «هفت زمان» بود که در ایام آخر به حقیقت (جواهر) تبدیل می‌شد؛ حقیقتی که «سر زاویه» می‌گردد، زیرا این همان حقیقتی است که آغاز آدونتیسم را در جنبش میلری‌ها با پایان آدونتیسم در جنبش صد و چهل و چهار هزار به هم می‌بافد. آن جواهر، که همان «هفت زمان» است، همچنین «روزی است که خداوند ساخته است»، و خود مسیح است، زیرا او کلمه است و او «حق» است. موضوع اسلام مضمونی است که تطهیر هر دو قوم برگزیده، یعنی قوم برگزیده پیشین و قوم برگزیده جدید، را پدید می‌آورد، و این تطهیر دوگانه در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ آغاز شد، که «روز باد شرقی» بود. در آن روز، دیده‌بانان می‌بایست همان سرودی را بسرایند که مسیح سرود، هنگامی که مَثَلِ تانکستان را اعلام کرد. صد و چهل و چهار هزار، سرود موسی (یعنی «هفت زمان») و سرود بره را می‌سرایند.

اور میں نے گویا شیشے کا ایک سمندر دیکھا جو آگ کے ساتھ ملا ہوا تھا؛ اور وہ جو حیوان پر، اور اس کی مورت پر، اور اس کے نشان پر، اور اس کے نام کے عدد پر غالب آئے تھے، شیشے کے اس سمندر پر کھڑے تھے، اور خدا کی بربطیں لیے ہوئے تھے۔ اور وہ خدا کے بندہ موسیٰ کا نغمہ، اور برہ کا نغمہ گاتے ہوئے کہتے تھے، اے خداوند خدا قادر مطلق، تیرے کام عظیم اور عجیب ہیں؛ اے قدوسوں کے بادشاہ، تیری راہیں راست اور سچی ہیں۔ مکاشفہ 2:15، 3.

”برہ“ همان مسیح است که ذبح شد، و او در میانہ دو ہزار و پانصد و بیست روز ذبح گردید؛ و بدین‌سان قربانی حیات و خون خویش را ـ کہ در آن، عہد را استوار ساخت ـ با «مخاصمہ عہد او»ی موسیٰ در لاویان بیست‌وشش بہ ہم می‌پیوندد. سرود موسیٰ و برہ، سرودِ حازونِ تاریخِ نبوی و سرودِ مرہ «ظہور» اوست. این، سرودِ فہمی عقلی و روحانی است، چنان‌کہ در دو رؤیای باب ہشتم دانیال بازنمودہ شدہ است. این، سرودِ قومی عہدی است کہ داوری می‌شوند و از ایشان درمی‌گذرند، در حالی کہ قومی برگزیدہ جدید انتخاب می‌شوند. فرایندِ انتخاب، و بنابراین آن سرود، در 11 سپتامبر

2001 آغاز شد.

آنان کہ از یعقوب خواهند آمد، ریشہ خواهند دوانید؛ اسرائیل خواهد شکفت و جوانہ خواهد زد، و روی جہان را از میوہ پر خواهد ساخت. آیا او را چنان زدہ است کہ زندگان او را زدہ بود؟ یا آیا او بر حسب کشتارِ کسانی کہ بہ دست او کشتہ شدند، کشتہ شدہ است؟ بہ اندازہ، ہنگامی کہ شاخہ می‌آورد، با آن محاجّہ خواہی کرد؛ او در روز باد شرقی، باد سخت خود را بازمی‌دارد. پس بدین وسیلہ عصیان یعقوب پاک خواہد شد؛ و تمامی ثمرہ برای برداشتن گناہ او این است کہ ہمہ سنگ‌های مذبح را چون سنگ‌های گچی خرد شدہ سازد، تا بیشہ‌ها و بت‌ها برپا نہانند. با این ہمہ، شہرِ حصاردار ویران خواہد شد، و مسکن متروک گشتہ و همچون بیابان رہا خواہد شد؛ در آنجا گوسالہ خواہد چرید، و در آنجا خواہد خوابید، و شاخہ‌هایش را خواہد خورد. چون شاخہ‌های آن خشک شوند، شکستہ خواهند شد؛ زنان می‌آیند و آنها را بہ آتش می‌کشند؛ زیرا این قومی بی‌فہم‌اند؛ از این رو آن کہ ایشان را آفرید بر آنان رحم نخواہد کرد، و آن کہ ایشان را صورت بخشید بر ایشان رأفت نخواہد نمود. و در آن روز واقع خواہد شد کہ خداوند از مجرای نہر تا وادی مصر خوشہ‌چینی خواہد کرد، و شما ای بنی اسرائیل، یک بہ یک جمع آورده خواهید شد. و در آن روز واقع خواہد شد کہ کرنای بزرگ نواختہ خواہد شد، و آنان کہ در سرزمین آشور در حال ہلاک بودند، و راندہ شدگان در سرزمین مصر خواهند آمد، و خداوند را بر کوہ مقدس در اورشلیم عبادت خواہند کرد. اشعیا 27:6-13.

این آیات، اگر بہ درستی فہمیدہ شوند، دورہٴ زمانی یازدہم سپتامبر ۲۰۰۱ تا قانون یکشنبہٴ قریب الوقوع را مشخص می‌کنند. آیہٴ ششم، با مشخص ساختن آغاز گیاه کہ ریشہ می‌دواند، سپس شکوفہ می‌آورد و جوانہ می‌زند، و سرانجام زمین را از میوہ پر می‌سازد، تمام این تاریخ را معرفی می‌کند. میوہ‌ای کہ زمین را پر می‌سازد، این کار را در خلال «ساعت» انجام می‌دہد، کہ همان بحران قانون یکشنبہ است. در حالی کہ مسیح در آن ہنگام میوہٴ خود را بہ انبار خویش جمع می‌کند، ہم زمان داوری را نیز بر بایل فرود می‌آورد. داوری‌ای کہ در زمانی رخ می‌دہد کہ زمین از میوہ پر می‌شود، در آیہٴ ہفتم بہ تصویر کشیدہ شدہ است، آنگاہ کہ این دو پرسش مطرح می‌شوند: «آیا او را زدہ است، چنان کہ زندگان او را زدہ بود؟ یا او کشتہ شدہ است، موافق کشتارِ کسانی کہ بہ دست او کشتہ شدند؟»

سپس در آیہٴ ہشت، پاشیدہ شدن باران آخر با عبارت «بہ اندازہ» مشخص شدہ است. آنچه سبب می‌شود گیاهان سر برآورند، باران است؛ و ہنگامی کہ آغاز باران آخر مشخص می‌گردد، این آغاز چنین مشخص می‌شود: «بہ اندازہ، ہنگامی کہ می‌رویاند.» وقتی باران آخر آغاز می‌شود، «بہ اندازہ» فرو ریختہ می‌شود؛ زیرا اگر محصول، آمیزہ‌ای از راستین و دروغین باشد، آن باران بی‌حد و اندازہ فرو ریختہ نمی‌شود.

«ہر وہ جان جو حقیقی طور پر تبدیل ہوئی ہو، اس شدید خواہش سے معمور ہوگی کہ دوسروں کو گمراہی کی تاریکی سے یسوع مسیح کی راست بازی کے عجیب و جلیل نور میں لے آئے۔ خدا کے روح کا وہ عظیم انڈیلاؤ، جو ساری زمین کو اُس کے جلال سے منور کر دے گا، اُس وقت تک نہ آئے گا جب تک ہمارے پاس ایسا روشن خیال لوگ نہ ہوں جو تجربہ سے جانتے ہوں کہ خدا کے ساتھ مل کر محنت کرنے والے ہونے کا کیا مطلب ہے۔ جب ہم مسیح کی خدمت کے لیے کامل اور ہمہ دل تخصیص رکھتے ہوں گے، تو خدا اس حقیقت کو اپنے روح کے لیے پیمانہ انڈیلاؤ کے ذریعہ تسلیم کرے گا؛ لیکن یہ اُس وقت تک نہ ہوگا جب تک کلیسیا کا بڑا حصہ خدا کے ساتھ مل کر محنت کرنے والا نہ ہو۔ خدا اپنا روح اُس وقت نہیں انڈیل سکتا جب خود غرضی اور نفس پروری اس قدر نمایاں ہوں؛ جب ایسا مزاج غالب ہو کہ اگر ایسے الفاظ میں ادا کیا جائے تو وہ قابیل کے اُس جواب کا اظہار کرے، —'کیا میں اپنے بھائی کا نگہبان ہوں؟' اگر اس زمانہ کے لیے حق، اگر وہ نشانیاں جو ہر طرف گہری ہوتی جاتی ہیں اور گواہی دیتی ہیں کہ سب چیزوں کا خاتمہ نزدیک ہے، اُن لوگوں کی سوئی ہوئی توانائی کو بیدار کرنے کے لیے کافی نہیں جو دعویٰ کرتے ہیں کہ وہ حق کو جانتے ہیں، تو

پھر اُس نور کے مطابق جس نے چمکے تاریکی ان جانوں کو آ لے گی۔ اپنی پے پروائی کے لیے اُن کے پاس عذر کی ادنیٰ سی مشابہت بھی نہ ہوگی جیسے وہ آخری حساب کے اُس عظیم دن خدا کے حضور پیش کر سکیں۔ اس بارے میں پیش کرنے کے لیے کوئی وجہ نہ ہوگی کہ انہوں نے خدا کے کلام کی مقدس سچائی کے نور میں زندگی کیوں نہ گزاری، کیوں نہ چلے، اور کیوں نہ کام کیا، اور یوں اپنے چال چلن، اپنی ہمدردی، اور اپنے جوش کے وسیلہ سے گناہ کی تاریکی میں ڈوبی ہوئی دنیا پر ظاہر نہ کیا کہ انجیل کی قدرت اور حقیقت ناقابل تردید تھی۔» ریویو اینڈ پیرالڈ، 21 جولائی، 1896۔

خواہر وایت این بخش را همان لحظه ای می داند که فرشته مکاشفہ فرود می آید، زیرا می گوید: «افاضہ عظیم روح خدا، که تمام زمین را با جلال او روشن می سازد.» در بخش دیگری که در این مقالات بارها به آن استناد کرده ایم، او تصریح کرد که هنگامی که «بناهای عظیم نیویورک» «فرو افکنده شوند»، «مکاشفہ باب هجده، آیات یک تا سه، تحقق خواهد یافت.»

ہم اگلے مضمون میں ان خیالات کو جاری رکھیں گے۔

اکنون برای محبوب خویش سرودی خواهم سراپید، سرودِ محبوبم دربارهٔ تاکستانش. محبوب من تاکستانی دارد بر فراز تپہ ای بسیار حاصل خیز. و آن را حصار کشید، و سنگ هایش را برچید، و آن را به بهترین مو کاشت، و در میانش برجی بنا کرد، و نیز در آن چرخشی ساخت؛ و انتظار داشت که انگور بیاورد، اما انگور وحشی به بار آورد. و اکنون، ای ساکنان اورشلیم و ای مردان یهودا، تمنا دارم میان من و تاکستانم دآوری کنید. دیگر چه می شد برای تاکستانم کرد که من در حق آن نکرده باشم؟ پس چرا، هنگامی که انتظار داشتیم انگور بیاورد، انگور وحشی به بار آورد؟ و اکنون بیابید، شما را آگاه می سازم که با تاکستانم چه خواهم کرد: حصارش را برخوادم گرفت تا خورده شود؛ و دیوارش را فرو خواهم ریخت تا پایمال گردد. و آن را ویران خواهم ساخت: نه هرس خواهد شد و نه بیل زده خواهد شد؛ بلکه خارها و خسک ها در آن خواهند رویید؛ و ابرها را نیز فرمان خواهم داد که بر آن باران نبارند. زیرا تاکستان یهوہ صباوت خاندان اسرائیل است، و مردان یهودا نهال دلپذیر او؛ و او در پی انصاف بود، و اینک ظلم؛ در پی عدالت بود، و اینک فریاد. اشعیا ۵: ۱-۷